

Acquaintance of Qajar Iranians with American Cultural Achievements and Trying to Getting a Pattern from them (Case study: books and reading)

Fereshteh Jahani*

Abstract

The American cultural system, especially the development of the country's scientific centers, was one of the most prominent issues that was considered by Iranians, especially intellectuals, during the Qajar period. In their exploratory perspective, they analyzed this issue and explained in detail the role and position of categories such as books and book reading in this country. In this regard, the author seeks an answer to the following questions: From the point of view of Qajar Iranians, what was the place of books and book reading in the United States? How much did the US government care about it and what policies did it pursue? And most importantly, what are the practical consequences for Iran of the growing knowledge of reformists and Iranian political elites about these scientific centers? This article with descriptive-analytical method based on the press and unpublished documents shows that progressives, especially from the Nasser period, were well aware that one of the reasons for the rapid progress of the United States is the high position of science and cultural centers. With a critical and comparative look, on the one hand, they mentioned factors such as the will and large investment of the US government in supporting authors and the development of libraries, the general public acceptance of book publishing, etc. for the transformation of American books and libraries, and on the other hand By submitting these reports, they were able to persuade Iranian

* PhD in History of Iran, Payame Noor University of Tehran, Fereshtejahani65@gmail.com

Date received: 2021/02/06, Date of acceptance: 2021/11/14



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

government officials to emulate the United States and expand scientific and cultural ties with that country.

Keywords: book, library, USA, Qajar intellectuals, scientific centers.

آشنایی ایرانیان دوره قاجار با دستاوردهای فرهنگی آمریکا و تلاش برای الگوپذیری از آنها (نمونه موردی: کتاب و کتابخوانی)

فرشته جهانی*

چکیده

نظام فرهنگی آمریکا به ویژه توسعه و پیشرفت مراکز علمی این کشور از برجسته ترین مباحثی بود که در دوره قاجار مورد توجه ایرانیان به ویژه روشن فکران قرار گرفت. آنان در نگاه کاوش گرانه خود به تجزیه و تحلیل این موضوع پرداختند و به تفصیل نقش و جایگاه مقولاتی هم چون کتاب و کتابخوانی در این کشور را تشریح کردند. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مطبوعات و اسناد منتشر نشده به دنبال پاسخ گویی به این پرسش است: از نگاه ایرانیان دوره قاجار، کتاب و کتابخوانی در آمریکا چه جایگاهی داشت و شناخت روزافزون اصلاح طلبان و نخبگان سیاسی ایران از مراکز علمی آمریکا هم چون کتابخانه ها در عمل چه نتایجی را به دنبال آورد؟ یافته های پژوهش نشان می دهد ترقی خواهان به ویژه از دوره ناصری به خوبی متوجه شده بودند که یکی از دلایل سرعت پیشرفت آمریکا جایگاه والای علوم و مراکز فرهنگی آن کشور است. آنان با نگاهی انتقادی و مقایسه ای از یک طرف عواملی هم چون اراده و سرمایه گذاری کلان دولت آمریکا در حمایت از نویسندگان و توسعه کتابخانه ها، استقبال عمومی عامه مردم از انتشار کتاب، تحول در صنعت چاپ، و... را برای تحول در کتاب و کتابخانه های آمریکا ذکر کردند و از طرف دیگر، با ارائه این گزارش ها توانستند مقامات دولتی ایران را به الگو برداری از آمریکا و گسترش ارتباطات علمی و فرهنگی با این کشور ترغیب کنند.

کلیدواژه ها: کتاب، کتابخانه، آمریکا، روشن فکران قاجاری، مراکز علمی.

* دکتری تخصصی تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه پیام نور تهران، Fereshtejahani65@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های روشن‌فکران و مصلحان دوره قاجار رهایی ایرانیان از جهالت با استفاده از گسترش علوم و معارف بود. آن‌ها مسئله آموزش عمومی ملت را یکی از اساسی‌ترین موضوعات ضروری کشور می‌دانستند. برای نمونه، سیدحسن تقی‌زاده از متجددان متأخر دوره قاجار معتقد بود که این مسئله هزار مرتبه مهم‌تر از اصلاحات سیاسی و دولتی است. وی بر این باور بود که «المعایب علت‌العلل بدبختی‌ها... بی‌سوادی عامه است» (روزنامه کوه ۱۳۳۹: ۱۱). درواقع، روشن‌فکران این دوره اساس تعلیم و آموزش نوین را آخرین راه نجات ایران می‌دانستند و یک‌صدا به این نتیجه رسیده بودند که تا علوم و مراکز علمی ترتیب صحیحی پیدا نکنند، تمام کارهای آنان نقش بر آب است، زیرا درطول تاریخ هر وقت درصدد اصلاح مملکتی برآمدند، نخست معارف آن را اصلاح کرده و توسعه داده‌اند، زیرا علم مایه ثروت و قدرت دولت و ملت دانسته می‌شد. بنابراین، آن‌ها راه برون‌رفت از این جهل را افتتاح مراکز فرهنگی با الگوبرداری از کشورهای غربی ذکر می‌کردند.

در تداوم چنین دیدگاهی، طولی نکشید که آمریکا به‌عنوان پیشرفته‌ترین کشور غربی در کانون توجه قرار گرفت. درحقیقت، مطبوعات قاجار در چهارچوب نگاه متجددانه تلاش داشتند تا افکار عمومی را به این نکته متقاعد سازند که پیشرفت و نجات ایران در گرو پیروی از سیاست‌های علمی و آموزشی آمریکاست. به‌عبارت‌دیگر، بر لزوم الگوبرداری از ساختار نوین علمی و آموزشی آن کشور تأکید می‌کردند. برای نمونه، روزنامه ثریا پیش‌نهاد می‌کرد که باید علمی که حکمای آمریکا در آن ترقی کرده‌اند و آثار آن‌ها را به فارسی ترجمه کنیم (روزنامه ثریا ۱۳۱۷: ۱۴-۱۵)، زیرا اعتقاد بر این بود که این آثار موجب بیداری فکر ایرانیان و ورود اندیشه‌های غربی خواهد شد.

بررسی سابقه پژوهش نشان می‌دهد که باوجود پژوهش‌های گوناگون درخصوص مراکز علمی و فرهنگی ایران در دوره قاجار، در هیچ‌یک از این منابع حتی به وضعیت کتاب و کتاب‌خانه‌ها در آمریکا و الگوبرداری از این کشور در دوره قاجار اشاره‌ای مختصر هم نشده است.

هم‌چنین، این پژوهش به‌لحاظ زمانی از زمان ورود میسیونرها به ایران تا پایان دوره قاجار را در بر می‌گیرد. در این‌جا، آنچه بسیار اهمیت دارد روشن‌ساختن این مسئله است که سیر اطلاع ایرانیان از جایگاه کتاب و کتاب‌خوانی در آمریکا از چه زمانی آغاز شد،

چگونه افزایش یافت، و چه نتایجی را به دنبال داشت؟ با بررسی دقیق مطبوعات، اسناد منتشرنشده، و منابع موثق این فرضیه مطرح شد که در ابتدا، فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی در ایران و سپس نشریات دوره ناصری مهم‌ترین نقش را در شناخت ایرانیان از وضعیت کتاب و کتابخانه‌های آمریکا ایفا کردند. علاوه بر آن‌ها، نمایندگان سیاسی ایران در آمریکا به واکاوی و تجزیه و تحلیل وضعیت کتاب و کتابخانه‌های این کشور پرداختند و توانستند با ارائه گزارش‌های خود، سرعت و عمق توسعه کتاب و کتاب‌خوانی و ترقی کتابخانه‌ها در آمریکا را نشان دهند. به نظر می‌رسد این آگاهی‌ها به توجه بیش از پیش مقامات دولتی ایران به دستاوردهای علمی آمریکا در این عرصه منجر شد و زمینه را برای ورود تکنولوژی‌های جدید در این عرصه و شرکت در کنفرانس‌های علمی این کشور فراهم آورد.

۲. جایگاه کتاب و کتاب‌خوانی در ایران دوره قاجار

دوره قاجار به این دلیل که پلی میان ایران قدیم و دنیای مدرن بود بسیار حائز اهمیت است. سلاطین قاجاری از آغامحمدخان و فتحعلی‌شاه تا احمدشاه به پیشرفت فرهنگ و معارف عمومی توجه چندانی نداشتند و در واقع، مجالی برای پرداختن به مسائل علمی و تأسیس نهادهای آموزشی وجود نداشت (کسایبی ۱۳۷۷: ۵). حتی ادعا شده است پادشاهی چون ناصرالدین‌شاه از بیداری و آگاهی مردم و از این‌که روحانیون و صاحبان مدارس قدیم از برپایی مدارس و مراکز علمی جدید از او برنجدند بیم داشت (اردکانی ۱۳۵۴: ج ۱، ۲۵۵؛ راوندی بی‌تا: ۹۸). از نظر نیروهای مذهبی، رواج نظام آموزشی غربی تهدیدی جدی علیه نظام آموزشی سنتی بود (ملایی توانی ۱۳۹۹: ۱۹، ۴۳). بنابراین، با این واکنش‌ها طبیعی بود که مراکز علمی اندک باشند. با نگاهی به آمار مدارس در ۱۲۶۹ق روشن می‌شود که در برابر ۲۲۷ باب مغازه تریاک‌فروشی، تنها چهارده باب مکتب‌خانه وجود داشت (سعدوندیان ۱۳۶۸: ۳۸-۳۹). بدون شک، این مکتب‌خانه‌ها فاقد کتاب‌خانه بوده‌اند و جز چند کتاب درسی غیراستاندارد کتابی برای تعلیم و تربیت نوآموزان وجود نداشت. در خصوص رکود کتاب‌خوانی در ایران حاج سیاح می‌گوید: «در ایران، روزنامه و کتب و هرچیز که انسان گاهی خود را مشغول کرده از هموم وارده یا از کارها که خسته شده خود را تفریح دهد و رفع خستگی روح نماید وجود ندارد» (سیاح ۱۳۵۹: ۹۱). در واقع، رکود کتاب در ایران چنان بود که ادعا می‌شد در سراسر ایران یک جلد کتاب جغرافیا و تاریخ صحیح پیدا

نمی‌شد که حداقل مردم از وضع حدود و مسلک همسایگان یا از تاریخ اجداد خود اطلاعاتی حاصل کنند (روزنامه ناصری ۱۳۱۵: ۷) و به قول طالبوف «در ایران، در میان ۱۵۰۰ تن، یک نویسنده نیست... و ده کتاب مفید اطفال یا رجال تألیف نشده است» (طالبوف ۲۵۳۶: ۱۱۲).

البته این روند در بعد از مشروطه هم ادامه یافت و مظفرالدین‌شاه اگرچه برخلاف پدرش مخالفتی با نشر معارف نداشت، هیچ گام عملی هم برنداشت (بزرگامید ۱۳۶۳: ۹۵). این را می‌توان از مطالب روزنامه ایران نو به خوبی دریافت. این نشریه در خصوص وضعیت کتاب و کتاب‌خانه در مدرسه دارالفنون آورده است: «مدرسه دارالفنون که مرکز دائرةالمعارف است بعد از پنجاه سال هنوز یک پروگرام و کتاب‌خانه ندارد... هنوز شاگرد نمی‌فهمند چه درسی باید بخواند» (روزنامه ایران نو ۱۳۲۷ ب: ۳). مرد آزاد در سال‌های آخر دوره قاجار در انتقاد از نبود کتاب‌خانه در مدارس ایران می‌نویسد:

این دارالفنون هفتادساله، که ما هر روز به رخ خود و خارجه‌ها می‌کشیم، هم کتاب‌خانه ندارد، سی صد جلد کتاب مندرس عهد دقیانوس که نه به درد معلم می‌خورد، نه متعلم در یکی از اتاق‌ها چیده شده و هیچ‌گاه کسی به سراغ آن‌ها نمی‌رود و کتاب‌خانه‌ای که محصلین بتوانند از آن استفاده کنند، در این مدرسه هفتادساله هم وجود ندارد و در بودجه‌هایی که بعد از سال ۱۲۹۷ ق/ ۱۸۸۰ برای تأسیس مدارس دولتی اختصاص یافت، اگرچه مبالغی به منظور احداث کتاب‌خانه در نظر گرفته شد، اما دیناری از آن صرف کتاب‌خانه‌ها نشد و بنابراین به صورت سابق باقی ماندند (روزنامه مرد آزاد ۱۳۴۲ الف: ۱-۲).

و جالب است که در ادامه بحث از پی‌آمدهای این معضل شناخت‌نداشتن دانش‌آموزان ایرانی از آمریکا را هم چون اصل و ملاکی تعیین‌کننده می‌داند و می‌نویسد:

در مدارس ایران کتاب‌خانه وجود ندارد و تمام معلومات شاگرد منحصر است به یادداشت‌هایی که در سر کلاس برداشته است. برای قسمت مهمی از دروس مخصوصاً در مورد تعلیمات متوسطه کتاب دبستانی هم هنوز طبع نشده است. این محصل که مثلاً راجع به جغرافیای اقتصادی آمریکا دو صفحه در کلاس از بیانات معلم یادداشت کرده تمام همش بر این است که اسامی و کلیات را از حفظ کند و فردا به معلم پس دهد. چنین محصلی از احصائیه‌های فلاحی، تجارتنی، و صنعتی آمریکا به کلی بی‌اطلاع است. اصلاً از وسایل تولید ثروت آن خبر ندارد، نمی‌داند آمریکا به چه علت و به چه

ترتیب در ظرف یک قرن ترقیات محیرالعقول در عالم اقتصاد کرده و امروز به همان وسیله نفوذ فوق العاده مهم در سرتاسر دنیا دارد، از نقشه‌های تجارتي، از ایاب و ذهاب قطارها و کشتی‌ها و هواپیماهای آن‌جا ابدأ اطلاعی ندارد و در مخیله خود نمی‌تواند زندگانی اقتصادی آمریکا را تصور کند. این نوع اطلاعات که جزء لاینفک تعلیمات دبستانی است باید از کتاب اخذ شود، کتاب باید در کتاب‌خانه مدرسه باشد، متأسفانه هیچ‌یک از مدارس ما کتاب‌خانه ندارد (همان).

بنابراین، بنابه نوشته مطبوعات این دوره، حتی در اواخر دوره قاجار برای تعداد اندک مدارس و دانش‌آموزان هم کتاب‌های کافی وجود نداشت و وزارت معارف یک کتاب‌خانه و یک دارالترجمه نداشت (برای اطلاع بیشتر، بنگرید به مجله/یرانشهر ۱۳۴۲ق: ۲۶۸).

همان‌گونه که مشاهده شد، در ایران دوره قاجار در حوزه نشر کتاب و کتاب‌خانه ترقی صورت نگرفت، اما سؤال این‌جاست که آیا مصلحان و ترقی‌خواهان، که از دوره عباس میرزا پیشرفت کشور را در گرو ایجاد نظام آموزشی نوین و برپایی مراکز علمی مدرن تشخیص داده بودند، از پیشرفت و توسعه کشور نویافته آمریکا در عرصه کتاب و کتاب‌خوانی آگاه بودند و در این جهت چه اقداماتی انجام دادند؟ برای پاسخ به این سؤال، در ادامه تلاش می‌شود تا با بررسی نقش میسیونرهای آمریکایی، مطبوعات قاجار، و نمایندگان دیپلماتیک ایران در آمریکا سیر نخستین آگاهی ایرانیان از کتاب و کتاب‌خانه‌های آمریکا و نتایج نهایی این آگاهی روشن شود.

۳. نقش میسیونرهای آمریکایی در ترویج و اشاعه کتاب در ایران

قبل از انتشار مطبوعات، نخستین شناخت ایرانیان به‌ویژه در عرصه فرهنگی از آمریکا از طریق میسیونرهای آمریکایی در ایران حاصل شد. آن‌ها در سال ۱۲۴۴ق/ ۱۸۲۹ به ایران (ارومیه) آمدند (فلاندن ۲۵۳۶: ۴۴۰-۴۴۱) و توانستند جوانان ایرانی را با علوم و عقاید جدید تمدن غربی آشنا کنند (یادگار ۱۳۲۵: ۶۰-۶۱). هم‌چنین، در نتیجه فعالیت آن‌ها در فاصله سال‌های ۱۲۵۷-۱۲۸۸ق/ ۱۸۴۱-۱۸۷۱ حدود صد اثر منتشر شد. حجم انتشارات آنان در برخی مواقع بالغ بر یک میلیون صفحه در سال بود. این حجم عظیم منتشر شده علاوه بر *تورات*، *انجیل*، و تفسیرهای آن‌ها زمینه‌های دیگری هم‌چون شعر، ریاضیات، جغرافیا، پزشکی، موسیقی، و تاریخ را در بر می‌گرفت (خسروزاده ۱۳۹۷: ۲۳). علاوه بر این، هیئت میسیونری کتاب‌های زیادی از آمریکا از طریق جاده‌های کوهستانی ارومیه وارد و در

روستاها توزیع می‌کردند (ناطق ۱۳۸۰: ۲۳۶). طبق یکی از گزارش‌ها در فاصله سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۹ق/ ۱۸۸۳-۱۸۹۲ در مجموع، هفت میلیون و ۷۳۶ هزار و ۴۲۸ صفحه کتاب در موضوعات گوناگون در چاپ‌خانه میسیون‌های آمریکایی به طبع رسیده است. هم‌چنین آن‌ها در ۱۲۶۴ق/ ۱۸۴۸ نخستین روزنامه مداوم به نام *شع‌نور* را در ایران به زبان آسوری چاپ کردند که انتشار آن تا اوایل جنگ جهانی اول ادامه داشته است (الدر ۱۳۳۳: ۱۰۰). بدون شک، این نوشته‌ها خود در بالابردن آگاهی ایرانیان از نظام فرهنگی آمریکا و توجه روشن‌فکران به شناخت و آگاهی بیش‌تر در خصوص مراکز علمی، هم‌چون کتاب و کتاب‌خانه‌ها، تأثیر به‌سزایی داشته‌اند.

۴. مقایسه چاپ و نشر کتاب در ایران و آمریکا از نگاه مطبوعات دوره قاجار

از مؤلفه‌های توسعه آمریکا کتاب و فرهنگ کتاب‌خوانی آن کشور بود. در این باره، مطبوعات قاجار به‌ویژه از دوره ناصری با دقت و وسواس خاص سیر رشد کمی و کیفی این مؤلفه را، از شمار کتاب‌های منتشرشده در هر سال تا تعداد کتاب‌خانه‌ها و ارزیابی این روند در دوره‌های زمانی مشخص و بالأخره مقایسه آن با کشورهای هم‌سطح آمریکا، مورد توجه قرار داده‌اند. برای نمونه، به استناد گزارشی در سال ۱۳۱۷ق/ ۱۸۹۹ در آلمان سالانه ۲۴ هزار، در فرانسه سیزده هزار، در ایتالیا نه هزار، در انگلستان شش هزار و پانصد، و در آمریکا حدود پنج هزار عنوان کتاب طبع و نشر می‌شد (روزنامه ناصری ۱۳۱۷ ب: ۳). در سال ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶، این میزان به ترتیب به ۲۴ هزار و ۹۷۵ عنوان کتاب در آلمان، چهارده هزار و ۳۵۵ در فرانسه، ده هزار و هفتصد در ایتالیا، شش هزار و ۵۳۱ در انگلستان، و دوازده هزار و ۲۸۱ در آمریکا افزایش یافت (روزنامه *چهره‌ما* ۱۳۲۴ق: ۶-۷). چنان‌که مشاهده می‌شود، طی یک دوره هفت‌ساله ۱۳۲۴-۱۳۱۷ق/ ۱۸۹۹-۱۹۰۶، برخلاف کشورهای مترقی اروپایی که رشد محسوسی در توسعه نشر کتاب نداشته‌اند، در آمریکا این میزان از پنج هزار عنوان به بیش از دوازده هزار عنوان رسیده است که رشد چشم‌گیر چاپ و نشر کتاب در این کشور نویافته را نشان می‌دهد.

گسترش چاپ و نشر کتاب در آمریکا دلایل فراوانی داشت. یکی از این دلایل عزم راسخ و اراده آمریکا در توسعه علم و دانش و به‌ویژه توجه به وضعیت کتاب و کتاب‌خانه‌ها در آن کشور بود. این سیاست در چند شکل خاص مشاهده می‌شد که نخستین آن‌ها سرمایه‌گذاری و اختصاص هزینه‌های آموزشی حیرت‌آور آن کشور در عرصه فرهنگی

بود. آمریکا برخلاف سایر دولت‌ها، که بیش‌ترین بودجه خود را به بخش نظامی اختصاص می‌دادند، دو برابر مخارج نظامی خود را به بخش آموزش اختصاص داده بود، چنان‌که روزنامه‌های این دوره با استناد به مطبوعات انگلیسی نوشته‌اند که آمریکا، با جمعیت پنجاه میلیونی خود و بودجه نظامی ۲۳۵ میلیون دلاری، ۴۶۵ میلیون دلار را به بخش معارف تخصیص داده است (روزنامه/خبر ۱۳۰۴ق: ۳۵۷۹). مسلماً با اطلاع از چنین حقایقی انتقاد از وزارت معارف روزبه‌روز بیش‌تر می‌شد. در این خصوص، روزنامه‌های این دوره نوشتند درحالی‌که وزارت معارف بزرگ‌ترین وزارت‌خانه در دول و ملل متمدن آن عصر بود، در ایران حتی بعد از مشروطه چندان مورداعتنا نبود و همواره نسبت به هشت وزارت‌خانه دیگر کم‌تر به آن توجه می‌شد (روزنامه/ایران نو ۱۳۲۷ق: ۳؛ روزنامه/جبل‌المتین ۱۳۲۷ق: ۲). درحقیقت، جراید عصر قاجار از قبل از مشروطه به‌خوبی می‌دانستند که علت پیشرفت همه‌جانبه آمریکا هزینه‌هایی بوده که این کشور در راه گسترش علوم و معارف به‌طور عام و کتاب و کتاب‌خانه‌ها به‌طور خاص صرف کرده است (روزنامه/دولت علیه ایران ۱۲۸۰ق: ۵۸۴). بدین ترتیب، از نظر روشن‌فکران این دوره، رشد ثروت و مکتب هر کشور با میزان سرمایه‌گذاری آن کشور در معارف ارتباط تنگاتنگی دارد.

جدای از موارد فوق، در آن زمان که هنوز در کم‌تر کشوری آموزش کودکان استثنایی موردتوجه قرار گرفته بود، مقامات دولتی آمریکا مدارس و کتاب‌های ویژه‌ای برای آموزش کودکان کربلال، نابینا، و غیره برپا کردند (روزنامه/معارف ۱۳۲۴ق: ۲؛ روزنامه/مجلس ۱۳۲۹ ب: ۱). برای نمونه در شهر مریلند مجموعه کتاب لغتی هجده‌جلدی حاوی چهل هزار لغت با حروف بریل برای نابینایانی که خواندن و نوشتن می‌دانند، مرتب و منتشر شد، حال آن‌که بنابه نوشته روزنامه مظفری در ایران برای «چشم‌داران» هم هیچ امکاناتی وجود نداشت (روزنامه/مظفری ۱۳۲۳ ج: ۴). طالبوف هم، مانند روزنامه‌های مجلس و مظفری، با دیدی انتقادی می‌نویسد:

آمریکا بیش از صد سال است که مدارس متعدد برای کوران و گنگان ساخته‌اند. از میان آن‌ها اشخاص مستعد و دانا و فیلسوف و مؤلف بیرون آمده و می‌آید، اما اطفال بصیر و مستعد ممالک ایران را به‌قدر اطفال کور سایر ملل مواظب و پرستاری نیست (طالبوف ۲۵۳۶: ۸۵-۸۶).

اهمیت کتاب برای آمریکاییان بدان حد بود که برای حفظ حقوق مؤلف قوانینی وضع کردند. این قانون در سال ۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸ توسط مجلس نمایندگان آمریکا

تصویب شد. سپس، به امضای رییس‌جمهور آن کشور رسید (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ۱۳۲۸ الف: ۲۴). این قانون باعث شد مؤلفان به طیب‌خاطر و با اطمینان از حفظ حقوقشان به فعالیت مشغول باشند و در نتیجه با صدور چنین قانونی طبیعی بود روزبه‌روز شمار نویسندگان و مؤلفان و آثار منتشرشده در آن کشور فزونی یابد.

از دیگر دلایل مؤثر در گسترش نشر کتاب استقبال عمومی مردم آن کشور از کتاب بود. برای نمونه، در سال ۱۳۰۳ق/ ۱۸۸۶ «جنرال اگرانت» مستوفی، رئیس‌جمهور آمریکا، برخی ملاحظات و یادداشت‌های خود را در کتابی به‌نگارش درآورده بود. حدود ۴۴۰ هزار نفر مشتری خرید این کتاب شدند و هزینه آن را نیز از قبل پرداخته بودند و پیش‌بینی می‌شد تا زمان انتشار کتاب این میزان به شش صد هزار نفر برسد. باید خاطر نشان کرد که تا آن زمان در هیچ‌جای دنیا سابقه نداشت چنین استقبالی از کتابی شود که هنوز منتشر نشده است. این درحالی بود که در ممالک شرق کتابی که تازه طبع و تألیف هم می‌شد، در نهایت تا دو هزار نسخه به‌فروش می‌رسد (روزنامه/ختر ۱۳۰۳ق: ۳۲۸۳). بنابراین، تفاوت آمریکاییان و مشرقیان در ترویج علوم را تنها می‌توان از این یک فقره معلوم و قیاس کرد. در نمونه‌ای دیگر به «سیر هربرت»، نام یکی از کتاب‌فروش‌های معتبر شهر شیکاگو، اشاره شده است که کتابی در هزار صفحه با تیراژ چهارصد جلد منتشر کرده بود و قیمت مقطوع هر جلد را پانصد لیره گذاشت و هیچ‌جای تعجب نبود که این کتاب بسیار گران‌بها به‌آسانی به‌فروش برسد (روزنامه گنجینه فنون ۱۳۲۱ق: ۱۳۱). استقبال مردم از کتاب چنان بود که برای نمونه در سال ۱۳۰۹ق/ ۱۸۹۲ روزانه ۴۶ هزار و شش صد نفر به کتاب‌خانه شیکاگو مراجعه و از کتاب‌های آن‌جا استفاده می‌کردند (روزنامه/ختر ۱۳۰۹: ۲۵۶). این آمار بدون شک در سال‌های بعد بسیار فراتر از این میزان رفت. روزنامه ناصری با نگاهی انتقادی به این مسئله می‌نویسد: «پیشرفت و استقبال از کتاب در آمریکا درحالی است که در ایران نه‌تنها استقبالی از کتاب نمی‌شود، بلکه هیچ تلاش و کوششی نیز برای ترغیب مردم به این کار وجود ندارد» (روزنامه ناصری ۱۳۱۵ق: ۷).

علاوه‌براین، اصلی‌ترین و درواقع مهم‌ترین دلیل این رشد حیرت‌انگیز را باید در صنعت چاپ پیشرفته و مدرن آن کشور دنبال کرد. ذکر این نکته لازم است که اطلاع ایرانیان از آغاز تحول در صنعت چاپ آمریکا سابقه‌ای دیرینه داشت. از قدیمی‌ترین اشاره‌ها به تحول در صنعت چاپ در آمریکا اشاره وقایع/اتفاقیه در سال ۱۲۶۷ق/ ۱۸۵۱ است. این روزنامه

می‌نویسد: «یکی از روزنامه‌نویسان نیویورک چرخ‌ساخته است که ساعتی بیست هزار نسخه روزنامه از آن بیرون می‌آید» (روزنامه وقایع اتفاقیه ۱۲۶۷ق: ۹۸). مدت‌ها بعد، یعنی در سال ۱۳۱۵ق/۱۸۹۷ صحاف‌باشی در نیویورک دستگاه چاپ را دیده و توصیف کرده بود. وی در پایان توصیفش می‌افزاید: «نمی‌دانم این نوع چیزهای آسان را چرا ما نداریم» (صحاف‌باشی ۱۳۵۷: ۶۶-۶۷). اظهار حیرت نویسندگان ایرانی از دستگاه چاپ آمریکا طبیعی بود، زیرا همان‌گونه که گفته شد در سال‌های قبل از انقلاب مشروطه وضعیت چاپ و نشر در ایران هم‌چنان ابتدایی بود، به طوری که ادعا می‌شد در حدفاصل سی‌ساله ۱۲۸۷-۱۳۱۷ق بیش از صد کتاب در چاپ‌خانه‌های تهران، تبریز، و سایر بلاد منتشر نشده بود (روزنامه ناصری ۱۳۱۷ق: ۳). از طرف دیگر، موضوع و محتوای کتاب‌هایی که در ممالک متمدن منتشر می‌شد برای ملت سودمند بود. این درحالی بود که در ایران سالانه تنها چند جلد کتاب با عناوینی چون *خاله سوسکه* و *دزد قاضی* و موضوعات بی‌اهمیت دیگری به چاپ می‌رسید (روزنامه مظفری ۱۳۲۳ ج: ۴).

همان‌گونه که مشاهده شد، نبود صنعت چاپ مدرن در ایران یکی از دلایل انتشار نیافتن کتاب به‌شمار می‌رفت. بنابراین، طبیعی بود که روشن‌فکران و ترقی‌خواهان این دوره با حیرت از چاپ‌خانه‌های آمریکا و نویسندگی زنان این کشور سخن بگویند. در سال ۱۳۱۶ق/۱۸۹۸، روزنامه ناصری با حیرت به ارائه آمار و ارقامی درخصوص تعداد نویسندگان کتب زن در آمریکا سخن می‌گوید و می‌نویسد: «در این کشور ۸۲۴ نویسنده و کاتب زن و پنجاه هزار و ۶۳۲ کارگر در چاپ‌خانه مشغول به کار بوده‌اند». رشد سریع این نویسندگان را می‌توان از این مطلب به‌خوبی دریافت که در هفده سال قبل، یعنی در سال ۱۲۷۹ق/۱۸۸۰، در تمامی چاپ‌خانه‌های آمریکا تنها هفت دختر کار می‌کردند. این پیشرفت‌ها در دنیای جدید درحالی بود که در ایران اسباب تحصیل و تربیت مرد و زن وجود نداشت و در کل ایران پنجاه نفر زن که قادر به خواندن و نوشتن باشند وجود نداشتند (روزنامه ناصری ۱۳۱۶ق: ۷؛ روزنامه ناصری ۱۳۱۷ق: ۵). ذکر این نکته لازم است که مطبوعات دوره قاجار به‌صورت مفصل درمورد تحصیل، مدارس، اشتغال، و دیگر عرصه‌هایی به ارائه گزارش‌های مفصل می‌پرداختند که زنان آمریکا به فعالیت می‌پرداختند (جهانی و ملایی ۱۴۰۰: ۷۱-۹۲). بنابراین، به‌دنبال این گزارش‌ها مقامات دولتی به الگوبرداری و بهره‌گیری از دستاوردهای آن کشور تصمیم گرفتند.

۵. توجه مطبوعات به رشد کمی و کیفی کتابخانه‌ها در آمریکا

در جهت اهمیت قائل شدن برای کتاب، وجود کتابخانه نیز امری ضروری و ملاکی برای رشد نشر کتاب و استقبال عمومی از آن قلمداد می‌شد. در اکثر بلاد ممالک متمدن، کتابخانه‌های ملی عمومی احداث شده که هر کدام حاوی صدها هزار کتاب بود. در این کشورها معارف‌خواهان هزینه‌های زیادی صرف احداث این کتابخانه‌ها می‌کردند و کتاب‌های نفیس را از همه‌جا گرد می‌آوردند و وقف ملت خود می‌کردند. هم‌چنین، در این کشورها هر فردی کتابی می‌خواست به ترتیب و قانونی که مقرر بود به کتابخانه مراجعه و از آن‌جا استفاده می‌کرد. در نتیجه چنین وضعیتی، این ممالک روزبه‌روز بیش‌تر ترقی می‌کردند (روزنامه اطلاع ۱۳۱۶ق: ۳). در واقع، رشد اهمیت کتاب و فرهنگ کتاب‌خوانی در آمریکا را می‌توان از سیر ترقی کتابخانه‌های آن‌جا دریافت. به بیان دیگر، استقبال از کتاب و تمایل عمومی به مطالعه آن زمینه‌ساز احداث و گسترش کتابخانه‌های عمومی شد (روزنامه ثریا ۱۳۱۶: ۲). بنابراین، یکی از علت‌های اصلی و غایی ترقی آمریکا و دیگر کشورهای متمدن شمار زیاد کتابخانه آن کشورها اعلام می‌شد. در واقع، از نگاه ممالک مترقی یکی از برجسته‌ترین معیارهای تمدن و ترقی و میزان دانش و پیشرفت هر مملکتی شماره کتابخانه‌های آن کشور بود و از این نگاه باید گفت آمریکاییان توانستند در نشر کتاب و بنای کتابخانه چه به لحاظ کمی و چه کیفی از اروپاییان پیشی بگیرند.

در حقیقت، باید اذعان داشت که دولت آمریکا نهایت تلاش و کوشش خود را برای تربیت ملت خود به کار می‌گرفت و آمار و ارقام مربوط به کتاب و کتابخانه آمریکا گواه موفقیت این کشور در پیش‌برد این هدف بود. سیر این تحولات از دید مطبوعات قاجار پنهان نماند و به تفصیل دنبال می‌شد و البته در همان حال انتقاد و ابراز تأسف از مقایسه این شرایط با وضعیت کتاب و کتابخانه و فرهنگ کتاب‌خوانی در ایران ادامه داشت. یکی از قدیمی‌ترین اشاره‌ها به کتابخانه‌های آمریکا را می‌توان در روزنامه وقایع اتفاقیه در سال ۱۲۷۰ق/ ۱۸۵۴ مشاهده کرد. طبق این گزارش در آمریکا ۶۹۴ کتابخانه عمومی وجود داشت و در این کتابخانه‌ها در مجموع دو میلیون و ۲۰۱ هزار و ۶۲۳ جلد کتاب قرار داشت (روزنامه وقایع اتفاقیه ۱۲۷۹ق: ۱۱۶۱).

بر اساس گزارشی دیگر در سال ۱۳۰۹ق/ ۱۸۹۲ بزرگ‌ترین کتابخانه‌های دنیا به ترتیب کتابخانه ملی پاریس با پنج میلیون کتاب، کتابخانه لندن موسوم به بریتیش میوزیم با چهار میلیون کتاب، و کتابخانه ملی آمریکا در واشنگتن با دو میلیون کتاب بودند

(روزنامه/ختر ۱۳۰۹ق: ۲۵۶). بر این اساس، هنوز آمریکا نتوانسته بود به لحاظ کمی کتابخانه‌های معروف اروپا را پشت سر بگذارد، اما با گذشت زمان و رشد علاقه و توجه به کتاب در آمریکا شمار کتابخانه‌های این کشور نیز فزونی گرفت، به گونه‌ای که در سال ۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۱ روزنامه مجلس شمار کتابخانه‌های آن کشور را پنج هزار و هشتصد واحد با ۳۱ میلیون نسخه کتاب اعلام کرد (روزنامه مجلس ۱۳۲۹ الف: ۴). در همین سال، یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهان در شهر نیویورک افتتاح شد. قیمت زمین این بنا صد میلیون فرانک بود و کتابخانه به‌طور کلی از مرمر سفید بنا شده بود و ۳۹۰ قدم طول و ۲۷۰ قدم عرض داشت (همان). طبق آماری در همین سال این شهر، با سه میلیون و ۷۱۶ هزار نفر جمعیت، هفتاد کتابخانه و دو میلیون کتاب داشت (مجله بهار ۱۳۲۹ق: ۷۲۳). عزم جدی دولت مردان و حکومت آمریکا در توسعه علم و دانش و کتابخانه‌ها چنان بود که حتی در زندان‌ها هم کتابخانه ایجاد کردند. با توجه به کتابخانه سه‌هزارجلدی موجود در یکی از زندان‌ها که روزنامه/ختر به آن اشاره کرده است، می‌توان پی برد که حکومت آمریکا تا چه اندازه در عزم خود مبنی بر ریشه‌کنی بی‌سوادی راسخ بود (روزنامه/ختر ۱۳۲۵ ق: ۵۲۶۰).

گفتنی است که اگرچه در ده‌ها و روستاهای خیلی کوچک در آمریکا هم کتابخانه عمومی وجود داشت، وسعت و عظمت کتابخانه‌های موجود در شهرهای بزرگ شگفت‌انگیز بود. برای نمونه، علاوه بر کتابخانه نیویورک، کتابخانه عمومی شهر شیکاگو نیز بسیار عظیم و درحقیقت هم‌چون قصری سلطنتی توصیف شده است. علاوه بر موارد فوق، یکی دیگر از بهترین کتابخانه‌های آمریکا در شهر بَستون بود که قریب یک میلیون و پانصد هزار تومان هزینه بنای آن شده بود و هفتصد هزار جلد کتاب و ۲۵۰ خدمه داشت. این کتابخانه فهرست کتبی داشت که به چاپ رسیده بودند و در دست مردم قرار داشت. بنابراین، در هنگام درخواست کتاب، شخص هیچ معطل نمی‌شد و علاوه بر آن اگر می‌خواست می‌توانست کتاب را به منزل خود ببرد (روزنامه/اطلاع ۱۳۱۶ ب: ۴). رسم این کتابخانه‌ها بر این بود که از هر کتابی که در آن کشور منتشر می‌شد، دو نسخه تهیه می‌کردند و در مخزن کتابخانه قرار می‌دادند و شمار کل کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های آمریکا نیز از این راه تخمین زده می‌شد (روزنامه تربیت ۱۳۲۱ق: ۱۱۹۱). روند روزافزون کتابخانه‌های آمریکا هم‌چنان ادامه داشت، به طوری که مرد آزاد در اواخر دوره قاجار درباره گستردگی کتابخانه‌های آمریکا و در انتقاد به وضعیت کتابخانه‌های ایران با تمدن شش‌هزارساله می‌نویسد:

اگر بخواهیم شمار کتابخانه‌های آمریکا را که تنها چهارصد سال قدمت دارد، در روزنامه درج کنیم، یک ماه و نیم طول خواهد کشید تا ستون اطلاعات متفرقه *مرد آزاد* پُر شود، زیرا این ملت تازه به دوران رسیده آمریکا قریب ۱۷۰۰ کتابخانه دارد که کوچک‌ترین آن‌ها در روستایی موسوم به آلاباما و دارای ۱۵۰۰ جلد کتاب است، بزرگ‌ترین آن‌ها «کتابخانه مجلس نمایندگان» آن کشور در واشنگتن است که بیش از دو میلیون و پانصد هزار جلد کتاب دارد. مجموع کتب موجود در کتابخانه‌های این کشور حدود ۳۵ میلیون جلد می‌باشد. «حال شما هرچه می‌خواهید دم از تمدن شش‌هزارساله خود بزنید، درمقابل ملل مترقیه عالم به شما ارقام تحویل خواهند داد» (روزنامه *مرد آزاد* ۱۳۴۲ق: ۱).

آنچه آمد، حیرت روشن‌فکران ایران از رشد کمی کتابخانه‌های آمریکا و پیشی گرفتن این کشور از سایر کشورهای غربی بود.

در عرصه کتاب و کتابخانه علاوه بر دولت آمریکا که در جهت ترقی و توسعه علوم و معارف و به‌ویژه خرید کتاب و احداث کتابخانه از هیچ اقدامی دریغ نمی‌ورزید، خیرین آمریکایی هم تأثیرگذار بودند. برای نمونه، مستر ایندروکارنگی برای بنا و افتتاح یک باب کتابخانه عمومی در شهر سان‌فرانسیسکو یک میلیون و نه صد هزار روپیه کمک کرده بود. علاوه بر این، برای تعمیر کتابخانه نیووتروود نیز دو میلیون و دو بیست هزار روپیه هزینه کرد (روزنامه *ادب* ۱۳۱۹ق: ۳۰۹). کارنگی چند سال بعد میلیون‌ها دلار هم برای تأسیس کتابخانه‌های عمومی در آمریکا و خارج از این کشور اعطا کرده بود (مجله *بهار* ۱۳۲۸ق: ۱۸۵)، به‌طوری‌که تنها در خارج از آمریکا دستور داد تا ۵۰۸ کتابخانه احداث کنند (روزنامه *چهره‌نما* ۱۳۲۸ الف: ۱۱). از دیگر خیرین تأثیرگذار آمریکایی می‌توان مستر راکفلر رئیس کمپانی نفت (روزنامه *اختر* ۱۳۱۳ق: ۷۹۶۹)، مسیو استانفورد (روزنامه *اطلاع* ۱۳۰۳ق: ۳)، و مستر گارسک را نام برد (روزنامه *مظفری* ۱۳۲۳ الف: ۳). آن‌ها با وقف مبالغ زیادی وجه نقد و اختصاص دادن زمین برای ساخت مراکز علمی گام‌های مؤثری در این عرصه برداشتند.

علاوه بر مردان آمریکایی، زنان آمریکا هم بذل و بخشش‌های فراوانی در راه پیشرفت علم و دانش در کشورشان انجام داده‌اند. برای نمونه، مادام استانفورد نامی هفت میلیون و نیم جنیه انگلیسی^۱ برای وسعت مراکز علمی هدیه کرد (روزنامه *حکمت* ۱۳۱۷ق: ۱۴). علاوه بر این خیرین نام‌دار، دیگر مردم عامه تنها در سال ۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۴ املاکی برابر با ۴۶۵ میلیون دلار برای ساخت مراکز علمی وقف کرده بودند (روزنامه *مجلس* ۱۳۲۹ ب: ۱). از

نگاه روشن‌فکران این دوره یکی از دلایل ترقی معارف آمریکا هدایای خیرین و ساخت کتاب‌خانه‌های عظیم توسط آن‌ها بود. بنابراین، جای تعجب نبود که ملت جوان آمریکا به این رتبه و اعتلا برسند، چون تمام مردم آن ممالک فهمیده و دانسته بودند که سعادت این جهان و آسایش این دوران به ترقی معارف و مراکز علمی است.

مصلحان این دوره در ادامه تمجید از خیرین آمریکایی به انتقاد شدید از فرهنگ و سنت‌های بومی ایران پرداختند و خواستار پیروی از الگوی خیرین آمریکایی بودند. در واقع، روزنامه‌ها امیدوار بودند با معرفی خیرین آمریکایی و شرح اقدامات آنان بتوانند خیرین ایرانی را تحت تأثیر قرار دهند و آنان را به ساخت مدارس و کتاب‌خانه‌ها و دیگر مراکز علمی ترغیب کنند. آنان بعد از توصیف بذل و بخشش‌های آمریکایی‌ها برای ساخت مراکز علمی با انتقاد و طعنه به خیرین ایرانی می‌نویسند: «آیا خیرین ایران چند هزارهزار دینار به مدارس ایران هدیه کرده‌اند؟!» (روزنامه حکمت ۱۳۲۳ق: ۲). در پاسخ به این سؤال نوشته روزنامه چهره‌نما بسیار قابل تأمل است. این روزنامه می‌نویسد:

هم‌وطنان ما که مروج دین پیامبر هم هستند، هر قدر می‌شنوند و می‌خوانند که فلان آمریکایی میلیون‌میلیون تومان در راه احداث مدارس و احیای علوم مبذول داشته، اراده نمی‌کنند که یک بنای خیریه احداث کنند و یا یک مدرسه بسازند (روزنامه چهره‌نما ۱۳۲۸ الف: ۱۱).

اذعان می‌شد که در مشرق‌زمین رسم و عادت ثروت‌مندان منحصر به ثروت‌اندوزی است و ابراز حیرت می‌شد که اگرچه بخشی از اهالی مشرق‌زمین در اکثر اعمال و افعال خود از اروپا و آمریکا تقلید می‌کنند، اما روشن نیست چرا مانند آمریکایی‌ها در صد تأسیس مدارس و کتاب‌خانه‌های مجانی برای کودکان بی‌بضاعت مملکت نیستند (روزنامه اطلاع ۱۳۲۱ق: ۳؛ روزنامه خورشید ۱۳۲۵ق: ۵). بنابراین، روشن‌فکران با نگاه انتقادی و تجددطلبانه خود مدام به ثروت‌مندان ایرانی توصیه می‌کردند که با بذل مال در تأسیس مراکز علمی مملکت را از ذلت و ناتوانی برهانند.

۶. دستاوردهای شناخت ایرانیان از پیشرفت آمریکا در زمینه کتاب و کتاب‌خوانی

تحت تأثیر گزارش‌های روشن‌فکران و مطبوعات این دوره وزارت معارف برای رفع معضلات مربوط به فقدان کتاب‌خانه و محدودیت دسترسی به کتاب در صد اصلاح امور

برآمد. آن‌ها نخستین «کتاب‌خانه عمومی ملتی» را در هفتم جمادی‌الثانی ۱۳۱۶/۲۳ اکتبر ۱۸۹۸ در خیابان علاالدوله افتتاح کردند (روزنامه‌اطلاع ۱۳۱۶ الف: ۳). چند سال بعد، چند هزار کتاب در این کتاب‌خانه فراهم آمد که در مقایسه با کتاب‌خانه‌های عظیم آمریکا و دیگر ممالک متمدن بسیار ناچیز و مختصر بود (روزنامه مجلس ۳۲۸ ق: ۴)، اما فعالیت‌های فرهنگی خود را آغاز کردند. علاوه‌براین، روشن‌فکران و نویسندگان بعد از ارائه گزارش‌های متعدد از پیشرفت آمریکا در عرصه کتاب و کتاب‌خانه‌ها بر لزوم توجه، الگوبرداری، و ورود دستاوردهای این کشور به ایران تأکید می‌کردند. برای نمونه، به‌دنبال گزارش‌های سفیران ایران در واشنگتن، ایران در کنگره هشتم جغرافیا در واشنگتن که در ۱۳۲۲ق/۱۹۰۴ برگزار شد شرکت کرد. از جمله مسائلی که در این کنگره موردبحث قرار می‌گرفت، امور مربوط به کتاب‌خانه‌های ملی بود (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ۱۳۲۲ق: ۴۰). اگرچه به‌طور دقیق از شرکت یا عدم شرکت ایران در این کنگره و تأثیرات احتمالی آن در توجه به کتاب‌خانه در داخل ایران اطلاعی در دست نیست، آنچه روشن است این‌که بازتاب آمار و ارقام کتاب‌خانه‌های آمریکا نه‌تنها موجب آگاهی مردم ایران از جایگاه و اهمیت این عرصه فرهنگی در ترقی آمریکا شد، بلکه سبب شد روشن‌فکران و مصلحان این دوره بر لزوم شرکت در کنگره‌های آمریکا تأکید کنند و این کشور را الگو قرار دهند.

علاوه‌بر مورد فوق، دیپلمات‌های ایران، به‌ویژه اسحاق مفخم‌الدوله، در واشنگتن از مقامات دولتی درخواست می‌کند که به اختراعات آمریکا در حوزه صنعت چاپ توجه داشته باشند و به‌دنبال این گزارش‌ها بود که مظفرالدین‌شاه دستور داد ماشین تحریری را که برای نوشتن به زبان‌های عربی، فارسی، و ترکی در آمریکا اختراع شده است، به ایران بفرستند (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ۱۳۲۰ ق: ۲۵، ۲۸، ۳۰). هم‌چنین، در ۱۳۲۴ق/۱۹۰۶ مشیرالدوله، وزیر امور خارجه، در نامه‌ای به مرتضی قلی ممتازالملک، که جانشین مفخم‌الدوله در واشنگتن شده بود، خواستار ارسال سه دستگاه چرخ تحریر و دو دستگاه ماشین‌آلات حروف‌ریزی یا دستگاه چاپ برای شاه شد (همان: ۴۲، ۵۴). از مجموع این گزارش‌ها چنین برمی‌آید که ایرانیان و به‌عبارت‌بهرتر هیئت حاکمه ایران به‌محض آگاهی از اختراع ماشین‌های جدید چاپ و تحریر در آمریکا به تهیه آن اقدام کردند، اما ظاهراً این دستگاه‌ها تا سال ۱۳۲۳ق هنوز وارد کشور نشده و یا اگر وارد شده بودند، مورداستفاده قرار نگرفته بودند.

(روزنامه مظفری ۱۳۲۳ ب: ۱۴) و انتقادات از وضعیت تأسفبار کمی و کیفی صنعت چاپ و نشر در ایران هم چنان باقی بود.

در نتیجه هماهنگی و تلاش‌های سفارت ایران در واشنگتن ارتباطات با محافل علمی آمریکا هم چنان رو به پیشرفت بود. یکی از نهادهایی که بعد از مشروطه تلاش بسیاری برای توسعه و تحول در نظام و مراکز علمی ایران و ایجاد ارتباطات علمی با آمریکا را برعهده داشت نهاد «انجمن تربیتی ایران و آمریکا» بود. بنیان‌گذار آن میرزااحمد سهراب بود. وی در هفده سالگی از دارالفنون تهران فارغ‌التحصیل شد و پس از چندی، به مصر و عکا و سپس در ۲۰ رمضان ۱۳۲۷/۵ اکتبر ۱۹۰۹ به آمریکا سفر کرد. ذکر این نکته لازم است که میرزااحمد سهراب مقامی دولتی نبود و در یک حرکت خودجوش دست به تأسیس انجمن زده بود. یکی از قوانین نظام‌نامه این انجمن این بود که کتب و صحف عامی، فنی، تاریخی، طبی، و غیره و جراید و مجلات هفتگی و ماهیانه را دائماً جمع کنند و به اداره مدرسه تربیت بفرستند (روزنامه چهره‌نما ۱۳۲۸ ج: ۴-۵). در واقع، مقصود این انجمن نشر معارف و تعلیمات عمومی در ممالک مشرق‌زمین از طریق مراکز علمی و جمع‌آوری وجوه اعانه و موقوفات بود (روزنامه ایران نو ۱۳۲۹ ق: ۲). انجمن از کمک‌های مالی بسیاری از آمریکاییان برخوردار بود، به طوری که برخی از آنان شخصاً دویست تا سی صد تومان کمک می‌کردند. دوست‌داران انجمن کمک‌های خود را به صورت نقدی یا به صورت اهدای کتاب‌های درسی، روزنامه، و نشریه به مدرسه تربیت تهران فرستادند (ناطق ۱۳۸۰: ۱۲۰؛ روزنامه چهره‌نما ۱۳۲۸ ب: ۱۵-۱۶). از این گزارش‌ها پیداست که نقش احمد سهراب بسیار مهم و تأثیرگذار بوده است. وی در نامه‌ای خطاب به مجلس ملی ایران در ۱۰ شوال ۱۳۲۸/۱۵ اکتبر ۱۹۱۰ نوشت:

مجلس ملی دولت ایران باید کمیسیون رسمی مرکب از بزرگان و وطن‌خواهان ملت محض تحصیل مسائل تمدن جدید آمریکا می‌فرستادند تا سری در مدارس و دارالفنون‌های بزرگ داخل این کشور نموده... چنین کمیسیون رسمی اگر به تکالیف عالی خود عمل نماید، سبب ترقی و حیات ایران خواهد گردید (روزنامه چهره‌نما ۱۳۲۸ د: ۵).

بدین ترتیب، انجمن تربیتی ایران و آمریکا تلاش داشت تا از طریق ارتباط با محافل مختلف آمریکایی، حمایت‌های آنان از نشر معارف و بهره‌مندی ایرانیان از نظام جدید آموزشی رایج در آمریکا را کسب کند. به دنبال گزارش‌ها و اقدامات احمد سهراب، وزارت

امور خارجه ضمن استقبال از آن نوشت: «این انجمن حاکی از مراتب ایران دوستی و معارف پروری است و امروز تنها وسیله وصول ایرانیان به نقطه مقصود همانا نشر معارف و توسعه مراکز علمی است» (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ۱۳۲۸ ب: ۱). باتوجه به مطالب بالا می توان به این نتیجه رسید که بعد از مشروطه، مصلحان و متجددان توانستند وزارت خارجه، وزارت معارف، و به طور کلی مقامات دولتی را متقاعد کنند که برای برون رفت از عقب ماندگی علمی و معارف باید به آمریکا بیش از سایر کشورها توجه کرد و آن را الگو قرار داد.

مناسبات علمی و آموزشی ایران و آمریکا در آخرین سال های حکومت قاجار رو به ترقی بود، به طوری که در ۱۳۴۰ق علایی در گزارشی به ایران می نویسد که انجمن معارف آمریکا از سفارت ایران دعوت کرده است که پنج نماینده به کنفرانس عمومی معارف بفرستد که از ۲۸ ژوئن تا ششم ژانویه ۱۹۲۳ در شهر اوکلاند کالیفرنیا تشکیل می شود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ۲۹۷/۳۸۵۸۷: ۳). هم چنین، در ۱۳۴۱ق/ ۱۹۲۳ دانشگاه شیکاگو در نامه ای به سفارت ایران در واشنگتن تقاضای برگزاری یک دوره از عکس های مؤسسات و مراکز علمی و فرهنگی کرد. بنابه نوشته علایی، این تصاویر در کنفرانس ها نمایش داده خواهد شد و هم چنین، در کتاب، مجلات، و غیره چاپ خواهد شد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ۲۹۷/۳۰۵۲۹؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ۲۹۷/۴۱۶۳۱). درخواست این تصاویر موجب می شد که وزارت معارف ایران بیش از پیش به توسعه مراکز علمی توجه کند.

یکی دیگر از مهم ترین دستاوردهای مناسبات فرهنگی ایران و آمریکا در دوره قاجار ورود کتاب و رسائل گوناگون از این کشور به ایران بود. این اقدام مهم فرهنگی به کمک سفیران و محصلان ایرانی در آمریکا انجام می گرفت. از جمله آن ها می توان به ارسال پنج صندوق کتاب از آمریکا به کتابخانه ملی توسط یکی از محصلان، به نام سیدحسین مترجم نظام، در ۱۳۳۲ق اشاره کرد (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ۱۳۳۲ق: ۱۳). هم چنین، در دوره ناصری از اداره تلگرافی بوشهر به امین السلطان وزیر دربار خبری مبنی بر ورود سه صندوق کتاب متعلق به دولت آمریکا داده می شود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ۲۹۵/۸۱۰۳). از محتوای این کتاب ها اطلاعی در دست نیست.

اما کتاب ها و رسائل چاپی راجع به زراعت، دام پروری، و تجارت آمریکا در این دوره بیش از هر حوزه دیگری به ایران وارد شد، به طوری که در ۱۳۲۹ق علیقلی خان نبیل الدوله

صد شماره پی در پی از مطالب فلاحتی آمریکا را به ایران فرستاد (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ۱۳۲۹ ب: ۲۷۸). علاوه بر علیقلی خان، سفیران دیگری مانند صدیق السلطنه چند رساله در مورد کشاورزی و بذر در آمریکا را به ایران فرستاد (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ۱۳۳۹ ق: ۱-۸). بعد از صدیق السلطنه، که در ۱۳۳۹ ق جای خود را به حسین علایی داده بود، این تلاش‌ها ادامه یافت و وی اطلاعات و داده‌های ارزشمندی را در این زمینه از واشنگتن به وزارت فواید عامه ارسال کرد. درحقیقت، علایی در این زمینه بیش‌تر و جدی‌تر از سفیران قبل و بعد به انجام وظیفه پرداخت و خدمات ارزنده‌ای را به‌ثمر رساند. او تلاش داشت در زمینه‌های متعدد ایرانیان را از آخرین ترقیات زراعی آمریکا مطلع سازد (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ۱۳۰۱ ش: ۱۳، ۹۴). وی در اقدامی مهم ضمن ارسال چهل جلد کتابچه منتشر شده از طرف وزارت فلاحت آمریکا گزارش می‌دهد که این کتابچه‌ها اغلب حاوی مطالب مهمی هستند که به کار فلاحت هر مملکتی می‌خورد. وی در پایان وعده داده بود ارسال چنین کتابچه‌هایی را هم‌چنان ادامه خواهد داد. از محتوای این کتاب‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: نظامات اداره انهدام حشرات، قوانین راجع به شکار طیور، طریقه کنسروکردن، راجع به نباتات سمی، غذادادن گاو و گوساله، طریقه عمل‌آوردن گندم، عمل‌آوردن کرفس، قوانین راجع به آتیه زراعت پنبه، و... (همان: ۱۱۹-۱۲۰). بدون شک این اطلاعات و به‌کارگیری آن‌ها می‌توانست موجب ترقی و ازدیاد ثروت مملکت حاصل‌خیز ایران شود.

برخی از سیاحان آمریکایی هم‌چون مائز الکساندر پاول، که برای کسب اطلاع از اوضاع سیاسی، اقتصادی، ادبی، و تاریخی عازم ایران می‌شدند، اطلاعات خود را به‌صورت کتاب منتشر می‌کردند (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ۱۳۰۰ ش: ۱۹۱). پروفیسور جکسون از دیگر عالمان مشهور آمریکا بود که چندین مرتبه به ایران سفر کرده بود و کتاب‌هایی درباب ایران نوشته است (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ۱۳۳۷ ق: ۲۵). بدون شک این‌گونه انتشارات و تألیفات موجب مزید بصیرت اهالی آمریکا و از هر نقطه‌نظر برای ایران مفید بوده است.

در برخی مواقع، آمریکایی‌ها در مناسبت‌های مختلف به پادشاهان ایران کتاب اهدا می‌کردند. از جمله آن‌ها می‌توان به اهدای کتاب *سفرنامه قطب شمال* به احمدشاه اشاره کرد. این کتاب را ادمیرال پیری، سیاح معروف و کاشف قطب شمال، با خط و امضای خود به‌هم‌راه یک شاخ عاج ماهی شمالی به احمدشاه اهدا کرد (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی

وزارت امور خارجه ۱۳۲۹ الف: ۳۲۳). همان گونه که مشاهده شد، در این دوره کتاب‌ها و رسائل متعددی از آمریکا به ایران وارد شد. روشن شد که هدف از ارسال این کتاب‌ها آگاهی از آخرین دستاوردهای آمریکا و فراگیری دانش آن‌ها در عرصه‌هایی هم‌چون کشاورزی، دام‌پروری، و تجارت بوده است.

۷. نتیجه‌گیری

یکی از عرصه‌هایی که آمریکا در آن به شکل خیره‌کننده‌ای پیشرفت کرد، نشر کتاب و توسعه مراکز علمی هم‌چون برپایی کتاب‌خانه‌ها بود. مشاهده شد که به‌دنبال ورود میسیونرها به ایران و گسترش مطبوعات داخل و خارج از کشور به‌ویژه از دوره ناصری شناخت ملموسی از وضعیت و سیر رشد کمی و کیفی کتاب و کتاب‌خانه‌های آمریکا حاصل شد و برای نخستین بار ایرانیان توانستند اطلاعات قابل توجهی از این مقوله در آمریکا به‌دست بیاورند. روشن‌فکران و مصلحان ایرانی در گزارش‌های خود این ترقی را از شمار کتاب‌های منتشرشده در هر سال تا تعداد کتاب‌خانه‌ها و مقایسه آن با کشورهای هم‌سطح آمریکا مورد توجه قرار داده‌اند. آن‌ها آمریکا را از نظر ترقی در عرصه کتاب و کتاب‌خانه‌ها سرآمد دیگر کشورها می‌دانستند و برای اثبات مدعای خود به ارائه آمار و ارقامی از وضعیت نشر کتاب و ساخت کتاب‌خانه در آمریکا و سایر کشورها پرداختند. بازتاب این اخبار و اطلاعات در مطبوعات و محافل روشن‌فکری از یک‌طرف آگاهی‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان را به درجه قابل توجهی که در نوع خود بی‌سابقه بود رساند و از طرف دیگر، مسلماً منتقدان با اطلاع از چنین حقایقی به انتقاد از وزارت معارف ایران، که حتی بعد از مشروطه در وضعیت نامناسبی به سر می‌برد، پرداختند و در همان حال بر لزوم الگوبرداری از آن کشور تأکید می‌کردند.

در بررسی موضوع حاضر و نتایج حاصل از آن روشن شد که روشن‌فکران در واکاوی این مقوله و تجزیه و تحلیل دلایل تحول در کتاب و کتاب‌خانه‌های آمریکا عواملی هم‌چون اراده و سرمایه‌گذاری کلان دولت آمریکا در حمایت از نویسندگان، توسعه کتاب‌خانه‌ها، نقش بی‌بدیل خیرین این کشور، حفظ حقوق مؤلف، استقبال عمومی عامه مردم از انتشار کتاب، و وجود صنعت چاپ مدرن را ذکر کردند. به همین دلیل، منتقدان خواستار برداشتن گام‌هایی عملی برای الگو قراردادن آمریکا در این مقوله شدند. روشن شد که مقامات دولتی ایران، تحت تأثیر چنین فضایی و با تلاش نمایندگان سیاسی در واشنگتن، ارتباطات

علمی و فرهنگی به‌ویژه بعد از مشروطه با آمریکا را افزایش دادند و در نمایشگاه‌ها و کنگره‌های علمی آمریکا شرکت کردند. آن‌ها هم‌چنین صنعت چاپ آمریکا را مورد توجه قرار دادند و دستگاه چرخ تحریر و دستگاه چاپ را از این کشور به ایران وارد کردند. یکی دیگر از مهم‌ترین دستاوردهای مناسبات فرهنگی ایران و آمریکا در دوره قاجار ورود کتاب و رسائل گوناگون به‌ویژه در حوزه زراعت، دام‌پروری، و تجارت از این کشور به ایران بود. روی هم‌رفته، باید گفت آمریکا به‌ویژه بعد از مشروطه در نظر ایرانیان قطب علم و معارف شد و مطبوعات، سفیران، و سایر روشن‌فکران یک‌صدا به این نتیجه رسیده بودند که باید تحولات آمریکا در عرصه کتاب و کتاب‌خانه‌ها را سرمشق قرار دهند.

پی‌نوشت

۱. مشخص نشد ارزش این واحد پول که گویا زمانی توسط انگلیسی‌ها در مصر رواج یافته بود چه قدر است.

کتاب‌نامه

- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۳۰۰ش)، کارتن ۲۳، پوشه ۲.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۳۰۱ش)، کارتن ۲۳، پوشه ۱.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۳۲۰ق)، کارتن ۲۰، پوشه ۱/۳.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۳۲۲ق)، کارتن ۹، پوشه ۵.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۳۲۴ق)، کارتن ۲۰، پوشه ۵.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۳۲۸ق الف)، کارتن ۱۰، پوشه ۳.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۳۲۸ق ب)، کارتن ۲۰، پوشه ۳.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۳۲۹ق الف)، کارتن ۲۰، پوشه ۱.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۳۲۹ق ب)، کارتن ۲۹، پوشه ۱.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۳۲۹ق)، کارتن ۳۹، پوشه ۴.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۳۳۲ق)، کارتن ۲۲، پوشه ۱۱.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۳۳۷ق)، کارتن ۱۰، پوشه ۴.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۳۳۹ق)، کارتن ۱۳، پوشه ۱۰.

الدر، جان (۱۳۳۳)، *تاریخ میسیون آمریکایی در ایران*، ترجمه سهیل آذری، تهران: نورجهان.
بزرگ‌امید، ابوالحسن (۱۳۶۳)، *از ماست که بر ماست*، تهران: دنیای کودک.
جهانی، فرشته و علی‌رضا ملایی توانی (۱۴۰۰)، «آشنایی ایرانیان با جایگاه زن در جامعه آمریکایی از ره‌گذر مطبوعات و مدارس میسیونری در دوره قاجاریه»، فصل‌نامه علمی *تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)*، س ۳۱، ش ۵۰، پیاپی ۱۴۰.
خسروزاده، سیروان (۱۳۹۷)، *راه بی‌سرانجام: نگاهی به سرگذشت آشوریان در جنگ جهانی اول*، تهران: شیرازه کتاب ما.

راوندی، مرتضی (بی‌تا)، *سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا*، بی‌جا: نوبهار.

روزنامه اختر (۱۳۰۳ق)، س ۱۲، ش ۳۹.

روزنامه اختر (۱۳۰۴ق)، س ۱۳، ش ۱۳.

روزنامه اختر (۱۳۰۹ق)، س ۱۸، ش ۳۳.

روزنامه اختر (۱۳۱۳ق)، س ۲۲، ش ۲۷.

روزنامه اختر (۱۳۲۵ق)، س ۱۸، ش ۳.

روزنامه ادب (۱۳۱۹ق)، س ۱، ش ۳۹.

روزنامه اطلاع (۱۳۰۳ق)، ش ۱۳۵.

روزنامه اطلاع (۱۳۱۶ق الف)، ش ۴۵۵.

روزنامه اطلاع (۱۳۱۶ق ب)، ش ۴۶۳.

روزنامه اطلاع (۱۳۲۱ق)، ش ۱۳.

روزنامه ایران (۱۲۹۰ق)، ش ۱۸۰.

روزنامه ایران نو (۱۳۲۷ق الف)، ش ۳.

روزنامه ایران نو (۱۳۲۷ق ب)، ش ۲۵.

روزنامه تربیت (۱۳۲۱ق)، ش ۲۸۵.

روزنامه ثریا (۱۳۱۶ق)، س ۱، ش ۱.

روزنامه ثریا (۱۳۱۷ق)، س ۱، ش ۴۲.

روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۴ق)، س ۳، ش ۲۵.

روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۸ق الف)، س ۷، ش ۸.

روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۸ق ب)، س ۷، ش ۱۱.

روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۸ق د)، س ۷، ش ۱۹.

- روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۸ق ج)، سال ۷، ش ۱۷.
- روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۷ق)، س ۱۸، ش ۱۵.
- روزنامه حکمت (۱۳۱۷ق)، ش ۱۳.
- روزنامه حکمت (۱۳۲۳ق)، ش ۸۴۴.
- روزنامه خورشید (۱۳۲۵ق)، س ۱، ش ۱.
- روزنامه دولت علیه ایران (۱۲۸۰ق)، ش ۵۴۵.
- روزنامه کاوه (۱۳۳۹ق)، س ۵، ش ۱.
- روزنامه گنجینه فنون (۱۳۲۱ق)، ش ۹.
- روزنامه مجلس (۱۳۲۸ق)، ش ۱۲۵.
- روزنامه مجلس (۱۳۲۹ق الف)، ش ۹۹.
- روزنامه مجلس (۱۳۲۹ق ب)، ش ۱۴۶.
- روزنامه مرد آزاد (۱۳۴۲ق الف)، س ۱، ش ۱۲۰.
- روزنامه مرد آزاد (۱۳۴۲ق ب)، س ۱، ش ۱۲۱.
- روزنامه مظفری (۱۳۲۳ق الف)، س ۴، ش ۶.
- روزنامه مظفری (۱۳۲۳ق ب)، س ۴، ش ۱۸.
- روزنامه مظفری (۱۳۲۳ق ج)، س ۴، ش ۲۰.
- روزنامه معارف (۱۳۲۴ق)، ش ۶.
- روزنامه ناصری (۱۳۱۵ق)، س ۴، ش ۱۱.
- روزنامه ناصری (۱۳۱۷ق الف)، س ۶، ش ۳۱.
- روزنامه ناصری (۱۳۱۷ق ب)، س ۶، ش ۳۲.
- روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۲۶۷ق)، ش ۲۰.
- روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۲۷۹ق)، ش ۱۸۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ۲۹۷/۳۰۵۲۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ۲۹۷/۳۸۵۸۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ۲۹۷/۴۱۶۳۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ۲۹۵/۸۱۰۳.
- سعدونیان، سیروس (۱۳۶۸)، *آمار دارالخلافه تهران*، تهران: تاریخ ایران.
- سیاح، حمید (۱۳۵۹)، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به کوشش حاج سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: چاپخانه سپهر.

صحاف‌باشی تهرانی، ابراهیم (۱۳۵۷)، *سفرنامه صحاف‌باشی*، به‌کوشش محمد مشیری، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

طالبوف، عبدالرحیم (۲۵۳۶)، *کتاب احمد*، با مقدمه و حواشی باقر مؤمنی، تهران: شب‌گیر.

طالبوف، عبدالرحیم (۲۵۳۶)، *مسالك المحسنين*، با مقدمه و حواشی باقر مؤمنی، تهران: شب‌گیر.

فلاندن، اوژن (۲۵۳۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.

کسایبی، نورالله (۱۳۷۷)، «مدارس قدیم تهران در عصر قاجار»، *نامه فرهنگ*، س ۲، ش ۳۰.

مجله *ایران‌شهر* (۱۳۴۲ق)، س ۲، ش ۵ و ۶.

مجله *بهار* (۱۳۲۸ق)، س ۱، ش ۳.

مجله *بهار* (۱۳۲۹ق)، س ۱، ش ۱۲.

مجله *یادگار* (۱۳۲۵ق)، ش ۶ و ۷.

محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۴)، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.

ملایی توانی، علی‌رضا (۱۳۹۹)، *تکاپو برای آزادی: روایتی دیگر از انقلاب مشروطه ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

ناطق، هما (۱۳۸۰)، *کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران (۱۸۳۷-۱۹۲۱)*، تهران: معاصرپژوهان.